

مطالعه تطبیقی آثار مالکیت معنوی در حقوق ایران و فرانسه با تأکید بر حقوق بین‌الملل

افشین مجاهد^۱

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی میبد- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی یزد و دانشگاه دارالعلم- وکیل دادگستری

چکیده

از جمله مسائل جدید در قوانین و مقررات کشورها حقوق مالکیت معنوی می‌باشد که قلمرو وسیعی از زندگی فردی و اجتماعی و جنبه‌های اقتصادی زندگی بشر را پوشش می‌دهد. امروزه با توجه به گسترش ارتباطات در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه از طریق شبکه جهانی اینترنت و قابلیت دسترسی سریع و آسان به تمامی اطلاعات و امکان سوء استفاده برخی افراد از آثار و دستاوردهای دیگران بر اهمیت حفظ این نوع مالکیت و اعتبار آن افزوده شده است. حقوق مالکیت معنوی مفهوم حقوقی نوینی است که از فعالیت‌ها و محصولات فکری در زمینه‌های تجاری، علمی، ادبی و هنری حمایت می‌کند و شامل مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی و هنری است. در مالکیت صنعتی عمده‌تأحق اختراع، علائم صنعتی و تجارتي، طرح‌های صنعتی و نشانه‌های جغرافیایی مطرح می‌شود و در مالکیت ادبی و هنری، حقوق مؤلفان، منصفان، هنرمندان و پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای و حقوق جانبی مربوط به کپی رایت که شامل آثار دیداری و شنیداری است مورد بررسی قرار می‌گیرد. در حقوق فرانسه قانون ۱۱ مارس ۱۹۵۷ میلادی، حقوق مالکیت معنوی را چنین تعریف کرده که پدیدآورنده یک اثر فکری نسبت به این اثر در نتیجه ابداع خود دارای یک حق مالکیت غیرمادی، انحصاری و قابل استناد در برابر همه است. همچنین پدیدآورنده در طول حیات خود از حق انحصاری و بهره برداری از اثر خود به هر شکل برخوردار بوده و می‌تواند از منافع مادی آن بهره‌مند شود. در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مدنی و سیاسی بهره‌مندی از منافع مادی و معنوی و لزوم اتخاذ تدابیر مناسب توسط دولت‌ها جهت تأمین، حفظ، توسعه و ترویج آثار ادبی و هنری مورد تأکید قرار گرفته و برگزاری چندین کنوانسیون جهانی و منطقه‌ای در این رابطه گویای توجه جهانی نسبت به این موضوع است.

واژه‌های کلیدی: مالکیت معنوی، مالکیت فکری، حقوق ایران، حقوق فرانسه، حقوق بین‌الملل

امروزه یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مفاهیمی که با پیشرفت علم و تکنولوژی در زمینه مسائل مالکیتی مطرح می‌شود، بحث مالکیت معنوی است. مالکیت معنوی در یک نگاه کلی به حقی تلقی می‌شود که برای هر فرد خلاق، هنرمند، طراح و نویسنده وجود دارد و آثار غیرمادی را که در اثر تلاش زیاد به وجود می‌آید و در ظاهر جنبه مادی ندارد را مورد حمایت قرار می‌دهد تا به نوعی هم باعث پیشرفت علم و انگیزه و هم حامی حق و حقوق افراد خالق اثر در جامعه باشد. در حقوق مالکیت معنوی، از حقوقی سخن گفته می‌شود که بی واسطه به خود شخص تعلق دارد؛ یعنی بدون اینکه رابطه حقوق خصوصی بین صاحب این حقوق با اشخاص دیگر به وجود آید تا از این راه او صاحب حقوق مالکیت معنوی شناخته شود، به محض ایجاد محصول فکری، وی دارنده و مالک حقوقی می‌شود که این محصول را احاطه کرده‌اند. به همین جهت، این حقوق را حقوق مالکیت معنوی نامیده‌اند. کشورها برای حمایت از مالکیت معنوی، دو دلیل مهم دارند. اول دادن وجهه‌ی قانونی به حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان در مورد آثارشان و حقوق جامعه در دستیابی به آن و دوم، بالابردن زمینه خلاقیت و پخش و انتشار نتایج حاصل از آن و حمایت از تجارتي منصفانه که می‌تواند به توسعه اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کمک نماید. حجم وسیعی از حقوق افراد مربوط به حقوق معنوی آن‌هاست. با توجه به اینکه مالکیت‌های معنوی مالکیت‌های عینی و ملموسی نیستند، نقض این مالکیت‌ها می‌تواند سهل‌تر از نقض حقوق مالکیت‌های عینی صورت پذیرد. شناسایی این مالکیت‌ها و حقوق معنوی و تبیین درست آن‌ها در راستای آشنایی افراد از حقوق خود و دیگران به منظور احترام گذاشتن به چنین مالکیت‌هایی و جلوگیری از تجاوز به حقوق معنوی افراد، ضرورت و اهمیت خود را می‌یابد. در حقوق فرانسه، پدیدآورنده یک اثر فکری نسبت به این اثر در نتیجه ابداع خود دارای یک حق مالکیت غیرمادی، انحصاری و قابل استناد در برابر همه است و برخی آن را جوهر اصلی حق مؤلف می‌گیرند و برخی دیگر نیز آن را از حق نشر اثر متمایز ساخته و برای آن مبنایی جداگانه قائل می‌شوند، به نظر دسته اخیر حق معنوی مؤلف منبعت از حق احترام به شخصیت انسان است. در حقوق فرانسه مؤلف حق دارد به نامش، به انتساب اثر او و به اثرش احترام گذاشته شود. این حق وابسته به شخص او، دائمی و غیرقابل انتقال بوده و مشمول مرور زمان نمی‌شود. اهمیت و نقش مالکیت معنوی در جامعه بین‌المللی و بالتبع در دانش حقوق بین‌الملل نیز به تدریج رو به گسترش است، به طوری که دارایی‌های فکری در معاملات تجاری در سطح بین‌المللی نقشی محوری دارند. موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری مالکیت فکری (تریپس) جامع‌ترین سند بین‌المللی حقوق مالکیت فکری در سازمان تجارت جهانی است و حوزه‌هایی مثل حق مؤلف (کپی‌رایت) و حقوق جانبی، علائم تجاری، علائم جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، حق اختراع، طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه و اسرار تجاری را در بر می‌گیرد. موضوع مالکیت معنوی بیش از یک قرن است که به عنوان یکی از زیرساخت‌های اساسی توسعه فناوری در دنیا مورد توجه می‌باشد و آن را به عنوان یکی از ابزارهای برتری جویی کشورها و شرکت‌ها قلمداد می‌کنند.

عدم توجه به این حوزه ممکن است در آینده توسعه علمی و فناوری و به تبع آن توسعه صنعتی و اقتصادی ایران را با مشکل جدی مواجه نماید. حتی با وجود اینکه حقوق مالکیت معنوی امروزه در نظام‌های حقوقی دنیا شناخته شده و در واقع ارزش والای این حقوق قابل انکار نمی‌باشد، لکن قوانین موضوعی و عرف جامعه‌آنگونه که شایسته است به موضوع این حقوق نمی‌پردازند. لذا در این مقاله به بررسی این موارد می‌پردازیم. با توجه به ماهیت موضوع، تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی، از لحاظ روش تحقیق، به صورت نظری می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای بوده و روش تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی به صورت توصیفی خواهد بود.

۱- مفهوم و تاریخچه مالکیت معنوی

بشر در کنار مالکیت بر اشیاء و دارایی‌های مادی و ملموس، می‌تواند مالک آفرینش‌های فکری خود باشد که در نتیجه ابتکار و ابداع، اختراع و یا فعالیت ذهنی فرد در خلق یک اثر ادبی و هنری می‌باشد، این نوع مالکیت را «مالکیت معنوی» می‌نامند. این واژه ترجمه عبارت انگلیسی «Intellectual property» می‌باشد که ترجمه دقیق آن مالکیت فکری است. برخی نیز همین عبارت را در ترجمه فارسی آن به کار می‌برند. اما به نظر می‌رسد برخی از اقسام مالکیت مزبور حاصل تلاش و ابتکار فکری نبوده، بلکه ناشی از دسترنج و تلاش و ابتکار و حسن شهرت در کسب و تجارت است؛ مانند شهرت تجاری، سرقتی، علامت تجاری. برخی نیز از آن به مالکیت مجازی یاد می‌کنند. این عبارت نیز صحیح نیست؛ زیرا امور اعتباری حقیقت هستند نه مجاز. برخی نیز از آن به حقوق معنوی تعبیر کرده‌اند. لیکن تنزل این رابطه اعتباری از درجه مالکیت به حق دلیل منطقی ندارد و موجب حمایت ضعیف از دستاوردهای معنوی انسان می‌شود. ضمناً هر آن چیز که حق کامل بر چیزی باشد مالکیت است. در علم حقوق که عالم اعتبارات است، دلیلی ندارد که همه اشیاء محسوس و ملموس باشند. هر آنچه که دارای ارزش اقتصادی باشد مال محسوب می‌شود، خواه ملموس، خواه غیر ملموس. بنابراین عبارت «مالکیت معنوی» از نظر فنی و حقوقی جامع و کامل به نظر می‌رسد. (کنعانی، ۱۳۹۱، ۳۸) اولین کشورهایی که اندیشه مالکیت معنوی در آن‌ها رونق گرفت، انگلستان و فرانسه بودند. (لطفی، ۱۳۴۸، ۱۲۹) در فصل یک قانون فرانسه مصوب سال ۱۷۹۱ نوشته شده بود تمامی اختراعات جدید از حقوق نویسنده و مخترع محسوب می‌گردند و تمامی حقوق آن اختراع از ۱۵-۵ سال برای وی محفوظ خواهد بود. اصطلاح مالکیت معنوی تا قبل از سال ۱۹۶۷ به صورت غیر رسمی به کار برده می‌شد ولی از سال ۱۹۶۷ که سازمان جهانی حقوق مالکیت معنوی تأسیس شد تلاش زیادی در جهت توسعه این اصلاح صورت گرفت. در زمینه حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری در حوزه خارجی و بین‌المللی می‌توان گفت ریشه‌های حمایت از این حقوق، به وجود آمدن صنعت چاپ و تکثیر در اروپای قرن پانزدهم به وسیله گوتنبرگ در آلمان و امکان نشر و تکثیر به تعداد انبوه و به همان نسبت امکان تجاوز به

حقوق پدیدآورندگان بر می‌گردد. اگر چه تا مدت‌ها این حقوق به طور پراکنده و با امتیازات سلطنتی رعایت می‌شد، ولی اولین قانونی که در سطح دنیا از حق مؤلف رسماً حمایت نمود، قانون (the statute of Anne) بود که در سال ۱۷۰۹ در پارلمان انگلیس به تصویب رسید. این قانون به پیشبرد رقابت در کار انتشار با محدود کردن حق انحصاری به ناشر و شناختن مؤلف به عنوان کسی که حق اجازه نسخه برداری از اثرش در اختیار اوست توجه داشت. به دنبال این قانون حمایت از حق مؤلف به کشورهای دیگر نیز گسترش یافت، به طوری که در سال ۱۷۴۱ در دانمارک طی فرمان پادشاه آن کشور حمایت از حقوق مؤلفان به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۷۹۰ ایالات متحده آمریکا نخستین قانون کپی رایت فدرالی خود را اعلان نمود. در فرانسه پیش از انقلاب کبیر آن کشور در سال ۱۷۸۹ حق مؤلف در قالب امتیازی که توسط حکومت اعطا می‌شد، به ناشران تعلق داشت. در سال ۱۹۸۵ نیز قانون جدیدی به تصویب رسید که قانون سابق را اصلاح و تکمیل نمود. (امانی، ۱۳۸۳، ۲۶)

اولین رویکرد قانونی در مورد مالکیت‌های ادبی و هنری در مواد ۲۴۵ الی ۲۴۸ قانون جزا مصوب ۱۳۱۰/۰۵/۱۵ صورت گرفت. در سال ۱۳۴۸ با تصویب قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مالکیت ادبی و هنری به رسمیت شناخته شد. در این قانون به برخی از آثار، از جمله ترجمه کتاب یا جزوات و نشریات توجه نشده بود. برای رفع این نقیصه در سال ۱۳۵۲ قانونی تحت عنوان «قانون ترجمه و تکثیر نشریات و آثار صوتی» به تصویب رسید. (اکبری، ۱۳۸۵، ۱۰۰) اولین قانون راجع به مالکیت صنعتی در سال ۱۳۰۴ شمسی مطرح شد، که از سال ۱۳۰۵ به مرحله اجراء درآمد. در سال ۱۳۱۰ قانون مفصلی در ۵۱ ماده تحت عنوان قانون ثبت علائم و اختراعات به تصویب رسید و آیین نامه آن در ۶۷ ماده در سال ۱۳۷۷ شمسی وضع شد و به موجب ماده ۵۰ این قانون، قانون راجع به علائم تجارتي و صنعتی مصوب ۱۳۰۴/۰۱/۰۹ منسوخ اعلام گردید. علاوه بر این قانون حمایت از نرم افزارهای رایانه‌ای، برای حمایت از حقوق پدید آورنده شامل حق نشر، عرضه، اجرا و حق بهره برداری مادی و معنوی نرم افزار رایانه‌ای در تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰ تصویب شد که حمایت از حقوق مادی را محدود به سی سال از تاریخ پدیدآوردن اثر نرم‌افزاری و اعتبار حقوق معنوی را نامحدود اعلام می‌دارد. (کدیوریان، ۱۳۹۳، ۱۴)

۲- آثار مالکیت معنوی در حقوق ایران

حقوق مالکیت معنوی، مفهوم حقوقی نوینی است که از فعالیت‌ها و محصولات فکری در زمینه‌های تجاری، علمی، ادبی و هنری حمایت می‌کند. به عبارت دیگر حقوق مالکیت معنوی مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی است که از اثرات ناشی از فکر، خلاقیت و ابتکار بشر حمایت کرده و در این راستا یکسری حقوق مادی محدود به زمان و حقوق معنوی دائمی به پدیدآورنده آن اعطاء می‌نماید. حقوق مالکیت معنوی از راه اعطاء حقوقی مشخص و محدود به زمان معین برای کنترل نحوه استفاده از کالاها و خدمات فکری به تولیدکنندگان این آثار، از این اشخاص حمایت به عمل می‌آورد. این حقوق به اشیاء فیزیکی که

احتمالاً اثر یا آفرینه ممکن است در آن‌ها قالب‌گیری یا تجسم یافته باشد مربوط نمی‌شود، بلکه مربوط به نفس آن دارایی یا اثر ذهنی و معنوی می‌گردند. این قبیل مالکیت به طور سنتی به دو شاخه عمده تقسیم می‌شود: «اموال صنعتی یا مالکیت صنعتی» و «کپی رایت یا حق نسخه برداری». در حقوق ایران، انتقال حقوق مالکیت فکری یا معنوی به موجب ماده ۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸، غیرقابل انتقال به غیر دانسته شده ولی حقوق مادی پدیدآورنده از دو طریق انتقال غیر ارادی یا قهری و انتقال ارادی امکانپذیر می‌باشد. انتقال غیرارادی یا قهری از طریق ارث و یا نتیجه تأمین خواسته یا توقیف توسط دادگاه صورت می‌گیرد. اصلاحیه ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۸۹ ضمن حمایت از انتقال از طریق ارث، مدت زمان ۵۰ سال بعد از فوت پدیدآورنده را مشخص نموده است. انتقال ارادی، بر اساس ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ انتقال حقوق مادی پدیدآورنده را در اشکال مختلف پیش‌بینی نموده است و همچنین قسمت دوم ماده یک قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی سال ۱۳۵۲ نیز به صراحت انتقال حقوق مذکور در ماده فوق‌الذکر را قابل انتقال به غیر دانسته است. (بیگدلی، ۱۳۹۵، ۶۰) حقوق مالکیت فکری بر مبنای ماهیت مورد حمایت به دو دسته «مالکیت معنوی» و «مالکیت مادی» تقسیم بندی می‌شود. مالکیت معنوی، مالک خود را قادر می‌سازد تا جهت حفاظت از مالکیت خود، اقدامات خاصی را اتخاذ کند. به آن دسته از مالکیت‌ها که جنبه بهره‌برداری مالی و منفعت تجاری را شامل می‌شود «مالکیت مادی» گفته می‌شود. حقوق مالکیت فکری بر مبنای مصادیق مورد حمایت به دو بخش عمده مالکیت ادبی هنری و مالکیت صنعتی تقسیم می‌شود. هدف از مالکیت ادبی و هنری، حمایت و حفاظت از آثار ادبی، هنری و علمی می‌باشد. مالکیت ادبی و هنری خود شامل دو بخش می‌باشد: (۱) حقوق پدیدآورندگان اصلی آثار هنری و ادبی (۲) حقوق جانبی: منظور از حقوق جانبی یا حقوق مجاور که در مورد آثار سینمایی، موسیقایی و اجراها مصداق پیدا می‌کند، در حقیقت حقوق تهیه‌کنندگان، کارگردانان، بازیگران و نوازندگان و خوانندگان و استودیوهای ضبط و تولیدکنندگان این دسته از آثار است. هدف از مالکیت صنعتی حمایت از اختراعات، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی، نشان مبدا جغرافیایی، مدل‌های مصرفی، مدارهای یکپارچه، اسرار تجاری و گونه‌های جدید گیاهی است. در ایران مالکیت ادبی و هنری برای اخذ حمایت‌های مالکیت فکری نیازی به تشریفات ثبت نمی‌باشد. این در حالی است که خالق اختراع و صاحب ایده و علامت تجاری برای اخذ حمایت‌های قانونی حتماً بایستی تشریفات ثبت را انجام دهد. در حوزه مالکیت ادبی و هنری کنوانسیون‌های بین‌المللی چون برن و رم را نپذیرفته است. هم‌اکنون بر اساس قانون ۱۳۴۸ حمایت از مولفان، مصنفان و هنرمندان، قانون مالکیت ادبی و هنری برای ایرانیان وجود دارد، ولی به موجب این قانون از آثار اتباع خارجی حمایت نمی‌شود. همچنین لازم به ذکر است که تا به امروز، ایران اکثر کنوانسیون‌های بین‌المللی در حوزه مالکیت صنعتی را پذیرفته است که فرصتی برای بهره‌مندی از این حمایت‌ها در دیگر کشورها می‌باشد. در تعریف حق مؤلف یا حقوق مالکیت ادبی و هنری

می‌توان گفت که مالکیت ادبی و هنری حق پدیدآورنده آثار ادبی، هنری و علمی در نامیده شدن اثر به نام او و همچنین حق انحصاری او در تکثیر، تولید، عرضه، اجرا و بهره‌برداری از اثر خود است. (آموزگار، ۱۳۸۲، ۱۳) به عبارت دیگر حق مؤلف یا کپی‌رایت یک اصطلاح حقوقی بوده و عبارتست از حقوقی که به ابداع‌کنندگان آثار ادبی و هنری تعلق می‌گیرد. مؤلف معنای بسیاری دارد و شامل آهنگ‌سازان، هنرمندان، مجسمه‌سازان و معماران نیز می‌شود. به طور کلی مؤلف شخصی است که با خلاقیت اثری قابل محافظت پدید می‌آورد. در مورد مالکیت ادبی و هنری تعاریف مختلفی ارائه گردیده که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود. حق مؤلف عبارتست از سلطه و اختیارات مؤلف بر اثرش که آن را خلق کرده یا به وجود آورده است. (مشیریان، ۱۳۳۹، ۱۵) مجموعه حقوقی است که قانون برای آفریننده خلق اثر نسبت به مخلوق اندیشه و هوش او می‌شناسد. این حقوق عبارتست از حق انحصاری بهره‌برداری از آفریننده اثر برای مدت محدود به سود او و پس از مرگ برای وزنه او. (لنگرودی، ۱۳۷۰، ۱۶۴) در قوانین ایران، براساس ماده ۳ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸، حقوق پدیدآورنده را شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او را داشته است. همچنین مطابق با ماده ۸ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۰۶ حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره‌برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم یا وارث قانونی او داشته است. ماده ۹ آئین‌نامه اجرایی قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ از حق عرضه به عنوان یکی از حقوق مادی پدید آورنده نرم‌افزار نام برده و همچنین در ماده ۷ آئین‌نامه مذکور از حق عرضه نام برده شده که از آن به حق توزیع یا پخش نرم‌افزار استنباط می‌شود و عبارتست از ارائه نرم‌افزار برای استفاده شخص یا اشخاص معین دیگر در زمان یا مکان محدود و برای بهره‌برداری مشخص می‌باشد. لازم به ذکر است قانونگذار ایران صراحتاً از آثار اقتباسی حمایت نکرده، ولی با دقت در بند ۶ ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ پدید آورنده را مجاز دانسته تا حق استفاده از اثر خود را در کارهای علمی، ادبی، صنعتی و هنری به غیر واگذار کند. همچنین ماده ۷ قانون مذکور تأکید نموده نقل قول یا اقتباس از اثر پدیدآورنده برای مقاصد ادبی، علمی، فنی آموزشی و تربیتی باید متعارف باشد. مشخص می‌شود که وقتی پدیدآورنده حق واگذاری این حقوق را به دیگران دارد در نتیجه خود پدیدآورنده به طریقی اولی می‌تواند از آن بهره‌مند شود. به عبارت دیگر از اثر خود اقتباس کند یا آن را تلخیص نماید. همچنین طبق بند ۵ ماده ۵ قانون فوق‌الذکر پدیدآورنده یک اثر نوشتاری می‌تواند آن را به زبان دیگر ترجمه کند به عبارتی نوعی از تبدیل اثر تلقی می‌شود. پدیدآورنده می‌تواند همه حقوق مادی خود یا قسمتی از آن را به دیگری انتقال دهد، خواه معوض باشد و یا مجانی، این انتقال صورت پذیرد. طبق ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان حقوق مالی پدیدآورنده قابل انتقال از طریق ارث و وصیت است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا حق موجود با وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای مدت ۵۰ سال به منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه)

قرار می‌گیرد. قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ نیز صراحتاً مدت حقوق مادی برای پدیدآورنده نرم افزار را سی سال معین نموده است. حقوق مالکیت صنعتی یکی از شاخه‌های حقوق مالکیت فکری است و از اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم تجاری، اسرار تجاری، نشانه‌ها یا علائم جغرافیایی و ... محافظت می‌کند. در سال ۱۳۴۰ اداره ثبت شرکت‌ها و علائم تجاری به اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تغییر نام داد و پس از آن در سال ۱۳۵۲ با تغییر نام اداره کل ثبت اسناد و املاک به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی نیز به اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی تبدیل شد.

۳- آثار مالکیت معنوی در حقوق فرانسه

قانونگذار فرانسوی در تدوین قانون ۱۱ مارس ۱۹۷۵ میلادی، حقوق مالکیت معنوی را چنین تعریف کرده است: پدیدآورنده یک اثر فکری نسبت به این اثر، در نتیجه ابداع خود دارای یک حق مالکیت غیرمادی، انحصاری و قابل استناد در برابر همه می‌باشد. (صفایی، ۱۳۷۹، ۶۶) در خصوص مبنای حقوق معنوی نظرات مختلفی در حقوق فرانسه مطرح گردیده است. گروهی آن را جوهر اصلی حق مؤلف می‌گیرند. گروهی دیگر نیز آن را از حق نشر اثر متمایز ساخته و برای آن مبنایی جداگانه قائل می‌شوند، به نظر دسته اخیر حق معنوی مؤلف منبعث از حق احترام به شخصیت انسان است. به گفته برخی از حقوقدانان فرانسوی حق معنوی مقدم بر حق بهره‌مندی اقتصادی از اثر است و رعایت آن تأثیر واگذاری اثر را به منظور احترام به پیوندهای میان اثر و شخصیت خالق آن تعدیل می‌نماید. سرانجام قانون سال ۱۹۵۷ جایگاه حقوق معنوی را تثبیت کرد. مؤلف حق دارد که نامش، به انتساب اثر او و به اثرش احترام گذاشته شود. این حق وابسته به شخص او، دائمی و غیرقابل انتقال است و مشمول مرور زمان نمی‌شود. (موسی پور، ۱۳۹۵، ۴۸) طبق ماده ۷۱۱ قانون مدنی فرانسه تحصیل و انتقال مالکیت به وسیله ارث، هبه، وصیت و یا در اثر تعهدات صورت می‌گیرد، لکن حقوق معنوی پدیدآورنده اثر طبق ماده ۱-۱۲۱ قانون مالکیت معنوی آن کشور دائمی و غیرقابل انتقال می‌باشد و مشمول مرور زمان نیز نمی‌شود. همچنین بر اساس این ماده، قانون مالکیت معنوی فرانسه پس از فوت پدیدآورنده، حق انتشار اثر وی توسط افرادی که به موجب وصیتنامه تعیین شده‌اند اعمال خواهد شد و فقط در خصوص حق تعقیب استثنایی وجود دارد و آن به صورتی است که حق تعقیب جزء حقوق مادی مختص پدیدآورنده می‌باشد و قابل انتقال به غیر نیست و پس از مرگ وی به وراث منتقل می‌شود. در حقوق فرانسه بر اساس ماده ۱-۱۲۳ قانون مالکیت معنوی آن کشور، پدیدآورنده در طول حیات خود از حق انحصاری و بهره‌برداری از اثر خود به هر شکل برخوردار است و می‌تواند از منافع مادی آن بهره‌مند شود. در صورت فوت پدیدآورنده این حق در سال جاری و ۷۰ سال پس از

آن ادامه دارد. در رابطه با جبران خسارت معنوی در حقوق این کشور نیز می‌توان گفت برخی از حقوقدانان فرانسوی، خسارات معنوی را قابل جبران نمی‌دانند و معتقد هستند این خسارات دارای ماهیت خاص می‌باشند و با روحیات و عواطف انسان‌ها ارتباط تنگاتنگ دارند. در نتیجه امکان ترمیم صدمات روحی و عاطفی و حتی ضایعات جسم به سادگی مقدور نیست. همچنین، هیچ وسیله اطمینان بخشی جهت جبران خسارت معنوی نمی‌توان یافت زیرا ارزیابی میزان خسارات معنوی و تعیین معادل یا ما به ازای این‌گونه خسارات مقدور نیست. قانونگذار فرانسوی با تصویب قانونی در ۵ ژوئیه ۱۹۸۵ در زمینه خسارت ناشی از صدمات بدنی وارد به اشخاص مانند ماده ۳۰ قانون بیمه مصوب ۱۷ اردیبهشت ۱۳۱۶ ایران، مبلغی که به وسیله اشخاص ثالث در مواردی که در قانون احصا شده پرداخت می‌شود را غرامت محسوب کرده لکن باید توجه داشت که قانون فرانسه همانند قانون ایران از اطلاق و شمول برخوردار نیست و تنها شامل آن بخش از ضرر و زیان می‌شود که ناشی از ضرر جسمی باشد. حقوقدانان فرانسوی در زمینه امکان یا عدم امکان جبران مالی خسارت معنوی اتفاق نظر ندارند. شاید فقدان نص صریح قانونی در قانون مدنی فرانسه در زمینه جبران مالی خسارت معنوی، منشاء این اختلاف آرا بوده است. در یک جمع‌بندی نظریه‌های این حقوقدانان را می‌توان در سه نظریه زیر خلاصه کرد: ۱- نظریه عدم امکان جبران مالی خسارت معنوی ۲- نظریه مختلط ۳- نظریه امکان جبران مالی خسارت معنوی. امروزه در حقوق فرانسه دامنه پذیرش مسئولیت مدنی ناشی از خسارت معنوی از سوی دادگاه‌های اداری بسیار گسترش یافته و کم و بیش در همه زمینه‌ها پذیرفته شده و تنها مطالبه خسارت معنوی ناشی از غم و اندوه فردی در اثر گذشت خویشان نزدیک از سوی دادگاه‌ها پذیرفته نشده است. حتی در این مورد نیز دادگاه‌های اداری، سازمان‌های دولتی و عمومی را محکوم به پرداخت مبلغی پول نموده‌اند هرچند که پرهیز دارند نام این پرداخت را خسارت معنوی بگذارند. در حقوق اداری فرانسه، شورای دولتی فرانسه برای اولین بار در سال ۱۹۳۸ در یکی از آرای خود قبول کرده است که اگر در نتیجه وضع قانون جدید خساراتی به افرادی که باهم قرارداد دارند وارد شود دولت مسئول پرداخت آن خسارت خواهد بود. در زمینه اعمال حاکمیت قضایی در حقوق اداری فرانسه چنانچه بعد از اعاده دادرسی حکم برائت محکومی صادر شود، شورای دولتی دولت را مسئول دانسته که به زیان‌دیده خسارت بپردازد و دولت به نوبه خود می‌تواند علیه عامل این محکومیت مثلاً شاهد دروغی و غیره اقامه دعوا کند تا خسارتی را که پرداخت کرده دریافت کند. اما حق ندارد قاضی را به دلیل اشتباه در حکم تعقیب کند مگر اینکه احراز شود که قاضی رشوه گرفته یا استتکاف از احقاق حق کرده است.

۴- جایگاه مالکیت معنوی در حقوق بین‌الملل

در ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق برخورداری از منافع معنوی و مادی ناشی از هرگونه محصول فعالیت علمی، ادبی یا هنری را در کنار حقوق بشری نظیر حق حیات، حق آزادی بیان و اندیشه به رسمیت شناخته شده است. همین موضوع در پی

بردن به اهمیت و جایگاه مقوله حقوق مالکیت فکری کفایت می‌کند چرا که یکی از حقوق اساسی انسان محسوب شده است. در کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی حقوق مرتبط با آثار ادبی، هنری و علمی؛ نمایش‌های هنرمندان بازیگر، صدای ضبط شده و برنامه‌های رادیویی؛ اختراعات در کلیه زمینه‌های فعالیت انسان؛ کشفیات علمی؛ طرح‌های صنعتی و علائم تجاری و سایر حقوقی که ناشی از فعالیت‌های فکری در قلمرو صنعتی، علمی، ادبی و هنری می‌باشد، آمده است. از مهمترین کنوانسیون‌های جهانی در مورد حقوق مالکیت معنوی، کنوانسیون پاریس، برن و ژنو می‌باشند که هر یک به نوبه خود توانسته‌اند در سطح جهانی، حق مادی و معنوی پدیدآورنده را از تعرض سوء استفاده کنندگان مصون بدارند. البته کنوانسیون‌های دیگری نیز در مورد مالکیت معنوی وجود دارد. بدون شک، حمایت قانون ملی از حقوق مالکیت معنوی تا زمانی که از حمایت قراردادهای بین‌المللی برخوردار نباشد، مفید نخواهد بود. به همین علت در سطح جهان تلاش‌هایی به عمل آمده تا این حمایت جنبه عمومی به خود گیرد. (حاجی آقاجانی، ۱۳۹۲، ۵۰) موافقت‌نامه تریپس به عنوان حاصل دور گفتگوهای اروگوئه که از سال ۱۹۹۵ میلادی با ترتیبات خاص مقرر در موافقت‌نامه لازم الاجرا شده و جامع‌ترین موافقت‌نامه چندجانبه درباره حقوق مالکیت معنوی بوده و به کلیه مقولات اصلی در این زمینه می‌پردازد. این مقولات در حوزه حقوق مالکیت صنعتی عبارتست از علائم تجاری مانند علائم خدمات، نشانه‌های جغرافیایی، طرح‌های صنعتی، اکتشافات از جمله گونه‌های جدید گیاهی، طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه و حفاظت از اطلاعات افشا نشده شامل اسرار تجاری. موافقت‌نامه تریپس در کلیه این موارد، حداقل معیارهای ماهوی حمایت را مشخص و عناصر این حمایت را تعیین می‌کند. این عناصر عبارتست از موضوع حمایت حقوق اعطایی و استثنائات مجاز وارد بر این حقوق و حداقل دوره حمایت. از اصول کلی کنوانسیون برن، حمایت از آثار پدیدآورندگان تبعه هر یک از کشورهای عضو در سایر کشورهای متعهد کنوانسیون است. اصل تساوی حقوق اتباع کشورها در مورد حقوق مؤلف در این قرارداد جهانی پذیرفته شده است. در ماده ۶ به حمایت معنوی آثار پدیدآورندگان می‌پردازد و در ماده ۱۱ به بعد به نحوه حمایت از حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان اشاره شده است. در ماده ۱۲ به کشورهای متعهد حق جرح و تعدیل و دیگر تغییرات در اثر برای مؤلف پیش‌بینی شده و این قرارداد بدون ایجاد محدودیت از انواع متعدد و متنوع آثار ادبی و هنری یاد کرده است. بر اساس کنوانسیون برن، اعضا باید حقوقی را در خصوص تقلید (کپی برداری) در سطح ملی اجرا کنند که اتباع دیگر کشورها نیز از آن بهره‌مند گردند. این کنوانسیون استانداردهای حداقل حمایت را تعریف کرده است. به عنوان مثال حقوق مربوط به آثار ادبی برای یک دوره ۵۰ ساله ارزش و اعتبار دارد و هر دو کنوانسیون برن و پاریس ایجاد یک دایره بین‌المللی را مقرر کردند. سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) در سال ۱۹۷۴ به عنوان چهارمین سازمان تخصصی سازمان ملل شناخته شد. هدف عمده سازمان جهانی مالکیت معنوی عبارتست از حفظ و افزایش حرمت معنوی در سراسر جهان به منظور حمایت از توسعه صنعتی و فرهنگی از طریق ایجاد انگیزه برای فعالیت‌های آفرینشی و تسهیل انتقال فناوری و

نشر آثار ادبی و هنری. کنوانسیون ژنو در ۲۹ اکتبر سال ۱۹۷۱ میلادی برای حمایت از حقوق تولیدکنندگان آثار صوتی و تصویری در مقابل آنهایی که اجازه نسخه برداری (کپی برداری) از آثارشان را ندارند، تنظیم شده است. مهم‌ترین نکات عمده این کنوانسیون عبارتند از: ۱- این کنوانسیون بر خلاف کنوانسیون برن که در برشمردن آثار مورد حمایت وارد جزئیات شده است، از آثار فکری به صورت کلی با ذکر آثار نوشته، موسیقی، نمایش، سینما، نقاشی و پیکرتراشی نام برده است. ۲- از اهداف کلی این کنوانسیون، تضمین احترام به حقوق افراد و تشویق توسعه ادبیات، علوم، هنر و اصلاح و تکمیل روابط حقوق مؤلف، بین کشورهای متعاقد قرارداد برن و پان آمریکن بود. ایران به عنوان یک کشور اسلامی در زمینه حقوق مربوط به مالکیت صنعتی به «کنوانسیون پاریس» از کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت معنوی، ملحق شده و این الحاق در سال ۱۳۷۷ شمسی به تصویب نهایی شورای نگهبان نیز رسیده، لکن در حقوق مربوط به مالکیت ادبی و هنری از بعد بین‌المللی به کنوانسیون برن از کنوانسیون‌های سازمان جهانی مالکیت معنوی نپیوسته است. خلاصه آنکه حمایت از حقوق مالکیت معنوی از قرن نوزدهم به بعد و با تصویب دو کنوانسیون بین‌المللی مهم یعنی کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت‌های صنعتی و کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری در سال ۱۸۸۶ میلادی نهادینه و با مرور زمان متحول شده است. بدون تردید تحقق اصلی‌ترین اهداف بنیانگذاران این کنوانسیون‌ها به منظور شکوفایی خلاقیت‌های فردی و ارتقای معیارهای زیستی بشر با تحولات و تغییرات تدریجی در کیفیت علوم و فنون منوط به وجود مقرراتی جامع و اجرای تعهدات بین‌المللی دولت‌های عضو به شرح مذکور و مقرر در آن پیمان‌های بین‌المللی ضمن توجه به اصل بنیادین حاکمیت دولت‌ها است. مقرراتی که از یک طرف به دلیل حمایت دولت‌ها از افراد مخترع و آفریننده در قلمرو صلاحیت‌های سرزمینی دارای خصیصه حقوق داخلی و از طرف دیگر با توجه به تعهدات دولت‌ها برای ایجاد معیارهای خاص حمایتی و انجام اقدامات محافظتی با ماهیت فرا سرزمینی دارای جنبه بین‌المللی است و این ویژگی‌ها در کل حقوق مالکیت معنوی را از خصیصه‌ای منحصر به فرد برخوردار ساخته است. (حاجی آقاجانی، ۱۳۹۲، ۱۷۱) در کنار موارد مذکور سازمان بین‌المللی مالکیت معنوی نیز به عنوان یکی از واحدهای فعال سازمان ملل متحد به منظور حمایت از تراوشات فکری، ابداعات، نوآوری‌ها و اختراعات به عنوان اولین مرجع خاص رسیدگی به حقوق مالکیت معنوی به رسمیت شناخته شده است.

نتیجه گیری

در قرن حاضر، به علت پیشرفت علم و فن آوری و همچنین ارتباط هرچه بیشتر ملت‌ها و به هم نزدیک‌تر شدن فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، مالکیت معنوی از اهمیت خاصی برخوردار بوده و به دلیل موقعیت زمانی و بحث روز بودن آن، حقوق مالکیت معنوی

از جایگاه والایی برخوردار شده است. امروزه با توسعه کسب و کار و همچنین گسترش صنعت حمایت از پدیدآورنده اثر یا محصول بسیار جدی و ارزشمند تلقی شده و اکثریت کشورها به منظور حمایت از حقوق مالکیت معنوی به عضویت سازمان جهانی مالکیت معنوی در آمده‌اند. حقوق مالکیت معنوی به دو نوع مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی و هنری یا حق مؤلف تقسیم می‌شود. حق مؤلف از دیرباز، مورد توجه بوده و به ویژه از زمان پیدایش صنعت چاپ، اهمیت فراوانی پیدا کرده است. در حقوق مالکیت ادبی و هنری یا مؤلف، پدیدآورنده اثر دارای حقوق معنوی و مادی می‌باشد. قانونگذار فرانسوی توجه بیشتری به حمایت از آثار ادبی و هنری نموده، به طوری که علاوه بر آثار مورد حمایتی ایران در بخش آثار ادبی از آثار اقتباسی و شفاهی نیز صراحتاً حمایت نموده است. قانونگذار فرانسوی علاوه بر حقوق مادی مورد حمایتی در قوانین ایران صراحتاً از حق اقتباس، تلخیص، تبدیل و گردآوری و همچنین حق تعقیب نیز حمایت نموده و هر دو کشور حقوق مادی پدیدآورنده را قابل انتقال به غیر و واگذاری دانسته‌اند. قانونگذار ایرانی حقوق معنوی را غیر قابل انتقال دانسته، در حالیکه قانون فرانسوی را قابل انتقال از طریق ارث یا وصیت دانسته است. دولت فرانسه جهت حمایت از مالکیت صنعتی به عضویت اکثریت کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون‌های پاریس، همکاری ثبت اختراع، پروتکل مادرید، عضویت کپی‌رایت و سایر کنوانسیون‌های مربوطه پیوسته است. همچنین کشور فرانسه در جهت حمایت از مالکیت ادبی و هنری نیز بر خلاف ایران به کنوانسیون‌های مهم در این خصوص از جمله برن و رم پیوسته است. از آنجا که کنوانسیون‌های برن و رم از جمله کنوانسیون‌های بین‌المللی برای حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری می‌باشند لکن ایران تاکنون به آن دو کنوانسیون نپیوسته است.

منابع

- اکبری، علیرضا (۱۳۸۵) «حق مؤلف در اینترنت»، فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، دوره ۱۷، شماره ۱.
- امانی، تقی (۱۳۸۳) قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری، ج ۱، تهران: انتشارات بهنامی.
- بیگدلی، نرگس (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی حقوق مالکیت معنوی در سازمان تجارت جهانی و نظام جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- حاجی آقاجانی، میثم (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مالکیت فکری و معنوی در حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل اسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- صفایی، حسین (۱۳۷۹)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اشخاص و اموال، ج ۱، چ ۱، تهران: نشر میزان.

کنعانی، محمد طاهر (۱۳۹۱)، حقوق تجارت نوین، چ ۱، تهران: نشر جنگل، جاودانه.

کدیوریان، نسرین (۱۳۹۳)، «بررسی فقهی و حقوقی مالکیت معنوی»، پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه ایلام.

لطفی، تقی (۱۳۴۸)، «بحثی تطبیقی در ریشه‌های تاریخی حقوق تألیفی و حمایت حقوقی صنعتی»، مجله کانون وکلا، شماره ۱۱۲ و ۱۱۳.

موسی پور، سیامک (۱۳۹۵)، «بررسی جبران خسارت ناشی از تجاوز به حق مالکیت معنوی با نگرشی بر حقوق فرانسه»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی گرمی.

